



که در این زمینه موفق بوده باشم.

با توجه به شرایط فعلی تئاتر آیا باز یگران ما می توانند یک دور نمای شغلی داشته باشند؟

فکر می کنم کلمه دور نما چه برای فعالین تئاتر و فعالین عرصه هنر بیشتر یک شوخی است چون امروز به نقطه ای رسیده ایم که آینده اش بسیار ترسناک است. مشکلات مالی، مسائل سالن ها و ورود کسانی که شاید سواد لازم را در این زمینه ندارند و صرفا به دلیل داشتن شرایط مالی حضور دارند باعث شده تا این عرصه متزلزل شود. بنابراین در حال حاضر که با هم صحبت می کنیم آینده دور نمای خوبی برای تئاتر و هنر و هنرمندی که در این عرصه فعالیت می کنند نمی بینم.

سخن پایانی

از تماشاچی تئاتر ممنونم که با این اوضاع سخت اقتصادی کشور و جامعه همچنان تئاتر را در سبد کالای خود نگه داشته، می آید، وقت می گذارد و می بیند. هر چند که تعداد مخاطبان کم شده اما تئاتر را بودن تماشاچی زنده می کند و ممنون می شوم که بیایند کار ما و آثار دیگر را ببینند و سالن ها را پر کنند تا بدین وسیله هنرمند بتواند زنده بماند، نفس بکشد و برای ارائه آثار دیگر جان داشته باشد و این مخاطب است که با قبول یا نپذیرفتن هر نمایش و اثری باید از هنرمند بخواهد نمایش خوب ارائه کند و بدین ترتیب کمک کند تا این روند رو به سمت قهقرا، اصلاح شود.

امین اکبری نصب، بازیگر:

این نمایش می تواند نشان دهنده یک جامعه از هم گسیخته باشد

اما فکر می کنم روندی که از سال ۱۴۰۳ آغاز شده نشان می دهد که در سال ۱۴۰۴ که پیش روی ماست تئاتر دوباره به آن شرایط و روزگار پر رونق خودش می رسد و گویی شرایط مساعدتری برای گروه های نمایشی و هنرمندانی که شاید سال هاست کار نکرده اند ایجاد شده تا دوباره به این عرصه بازگردند. حال باید مدبران ارشد ما در همه حوزه های اداره کشور بدانند که تئاتر از ملزومات یک جامعه است و می تواند فرهنگ یک جامعه را تغییر دهد. تئاتر می تواند یک نسل درست در یک جامعه پرورش دهد چرا که تئاتر آینه ای از طبیعت و آیین های از زندگی ما است و این زنده بودن تئاتر به روی صحنه و نشان دادن معضلات، مشکلات، کمی و کاستی ها حتی خوبی ها و اتفاقات درست همه از زندگی و زیست ما و جامعه و جهان مانشات می گیرد و ارزشمند است. در نهایت این وظیفه دولت است که بتواند برای تئاتر تصمیم گیری و برنامه ریزی کند تا فعالین عرصه تئاتر در مضیقه اقتصادی نباشند و بتوانند با خیال راحت کار کنند. فکر می کنم زمانش رسیده که متولیان امر به سمت افزایش سالن های نمایشی بروند و شنیده ایم که شهرداری قصد چنین کاری را دارد که این خبر خوشحال کننده ای برای اهالی تئاتر است. ولی من فکر می کنم که باید بیشتر از این هاشود و باید برنامه ریزی درستی برای ساخت سالن های اصولی و تخصصی برای تئاتر انجام شود. امروز اروپا و آمریکا در بحث امکانات تخصصی از ما بسیار جلوتر هستند در حالی که امکانات فنی سالن های ما بسیار کم است و این یعنی باید تکنولوژی فنی تئاتر همینطور نیروی انسانی فنی ما که در سالن های تئاتر دولتی و خصوصی فعال هستند، به روز شوند. نیروهای فنی باید دوره های آموزش فنی، اصولی و بین المللی ببینند و خوشبختانه در عصر ارتباطات به راحتی می توان از مدرسین فنی که در جهان مشغول به کار هستند دعوت کرد تا به صورت آنلاین این آموزش های فنی را در اختیار کارکنان بخش فنی سالن ها قرار دهند. بنابراین علاوه بر ساخت سالن، باید به روز کردن اصولی سالن های تئاتر را در دستور کار داشته باشیم و پیرو این امکانات آثاری خلق خواهند شد که پر از نوآوری، خلاقیت و امکانات درست و اصولی هستند و مسلمانان دسته از آثار مخاطب را جذب خواهند کرد و خوراک درستی در اختیار مخاطب تئاتر قرار خواهد گرفت در حالی که متأسفانه خوراکی که ما امروز در تئاتر به خورد مخاطب می دهیم خوراک درستی نیست. خوراکی که اگر چه بخشی از آن محتوای تئاتر ما و اشاعه فرهنگمان است اما بخش دیگر آن نیز فرم و شکل اجرایی آثار است که به وجود این امکانات فنی بازمی گردد. تئاتر خصوصی در ایران تئاتر ناموفقی است چرا که به یک بنگاه تجاری تبدیل شده است و بسیاری از گروه هایی که در تئاتر خصوصی کار می کنند از شرایط راضی نیستند. در اروپا و آمریکا نیز تئاتر خصوصی هست اما کمپانی ها این مسئله را مدیریت می کنند. کمپانی هایی که خودشان تئاتر تولید می کنند و باز یگران و دیگر عوامل تئاتر استخدام این کمپانی ها هستند و حقوق می گیرند. با نگاهی به تئاتر اودین به سرپرستی یوجینو باربا که چند سال پیش به ایران آمده بودند می بینیم که تمام باز یگران یوجینو باربا که جزو کمپانی اودین هستند حقوق می گیرند و به عنوان یک کارمند در آن کمپانی کار می کنند اما در تئاتر خصوصی ما چنین چیزی وجود ندارد بلکه هر کس پول بیشتری داشته باشد می تواند در سالن های خصوصی اجرا برود. به نظر من شاید بتوانیم با توسعه همین سالن ها و کمپانی های تئاتر و پرورش اصولی تئاتر خصوصی شرایط بهتری را ایجاد کنیم.

سودابه جعفرزاده، بازیگر:

آینده خوبی برای تئاتر و هنر نمی بینم

شما نقش گل باقالی را ایفا می کنید با توجه به بعد نوستالژیک «خونه مادر بزرگه» آیا ریسک و تردیدی برای حضور در این پروژه داشتید؟

بله دست گذاشتن روی آثاری که در فرهنگ ما تا این حد نوستالژیک، عمیق و ریشه دار هستند و تغییر دادن بخشی و یا تمام آن مسلمانان را ریسک همراه است و من نیز با توجه به وجود این ریسک این نمایشنامه را قبول کردم چرا که طرح موضوع آن برایم بسیار جالب بود.



کاراکتر هادر عین حال که ویژگی های حیوانی کاراکتر خود را حفظ کردند اما ویژگی های انسانی نیز دارند. پرداخت شما به چه شکل بود؟

همه این ها با توجه به صحبت های اولیه ای که با کارگردان داشتیم انجام شد و آقای آزاد از همان روز اول خواستار این بودند که هر دو بعد از کاراکتر پردازی ها در نظر بگیریم یعنی کاراکتر ها نه حیوان مطلق باشند و نه انسان مطلق و ما نیز بر همین اساس پیش رفتیم.

آیا این شکل از کاراکتر پردازی چالش برانگیز بود؟

بله، این مسئله مسیر کاراکتر پردازی را سخت تر و پرچالش تر می کند و باعث می شود که کاراکتر تا حدی دور از ذهن بازیگر باشد. وقتی که ما یک اثر رئال بازی می کنیم ابعاد کاراکتر برای ما واضح است اما این نمایش بر اساس سبک و سیاقی که پیش می رفت تعریف خاص خودش را داشت و حفظ هر دو بعد و ایجاد تعادل میان این دو به شکلی که بعدی بر بعد دیگر غلبه نکند سخت و چالش برانگیز بود. طبیعتا در دوره تمریناتی که داشتیم بخش هایی به نقش ها اضافه و گاهی کاسته شد و در حین اجرای اتودها کم کم نقش ها شکل گرفت و به نقطه نهایی اجرا رسیدیم و امیدوارم

امیر عدل پرور، بازیگر:

بعد از یک ویدئو جنس کاراکتر مخمل را

پررنگ تر کردیم

مخمل یکی از خاطره انگیزترین کاراکترهای عروسی دهه ۶۰ است. با توجه به این بعد نوستالژی چه تغییری



روی این کاراکتر اعمال کردید؟

از آنجایی که نقش مخمل نقش یک گربه است و این کاراکتر ویژگی ها و حرکات یک گربه را دارم من سعی کردم با توجه به اینکه خودم نیز یک گربه دارم به حرکات و عادات های گربه ها بیشتر توجه کنم و یک سری از این ویژگی ها را در بازی ام بگنجانم و با توجه به خاطره انگیز بودن نقش مخمل آن خودخواهی و تنبل بودنش را نیز در بازی لحاظ کردم. اما مخمل این نمایش دیگر آن مخمل «خونه مادر بزرگه» نیست. او تغییر کرده است و کاراکتر دیگری را از خودش نشان می دهد هر چند که در «خونه مادر بزرگه» کمی بد اخلاق بود اما تا این حد کاراکترش تاریک نبود و مادر این نمایش با توجه به اتفاقاتی که در متن می افتد این بعد تاریک ویدجس کاراکتر را پررنگ تر کردیم.

وقتی در آثار بزرگسال می خواهیم آن انتزاع و فانتزی کاراکتر حیوانی را نشان دهیم در خطر این هستیم که اثر به سمت نمایش کودک و نوجوان کشیده شود. برای اجتناب از این مسئله بیشتر به چه مولفه هایی دقت کردید؟

در این رابطه ما از ابعاد و ویژگی های انسانی که به کاراکتر ها دادیم استفاده کردیم و ویژگی هایی مثل منفعت طلبی و طمع که باعث می شد این کاراکتر ها از ویژگی های کاراکتر های مخصوص کودک و نوجوان دور شوند. به خصوص با توجه به قصه تلخی که در نمایش داریم و اتفاقاتی که از اواسط نمایش به بعد می بینیم فضایی ایجاد می شود که به هیچ عنوان کار به سمت آثار کودک کشیده نمی شود و کاملاً فضای نمایش بزرگسالان را دارد.

در سال جدید به عنوان فعالین عرصه تئاتر چه توقعاتی از مسئولان مربوطه دارید؟

واقعا از شرایط امروز تئاتر خیلی متأسف و متاثر هستیم و کار کردن واقعا برای بازیگران و کارگردانان تئاتر بسیار سخت شده است و به نظر می رسد که سیاست ها به شکلی چیده شده که تئاتر کار نکند. ما باز یگران و کارگردانان تئاتر چه از لحاظ اقتصادی و چه مسائل دیگر تحت یک فشار فزاینده هستیم و با مشکلات بسیار زیادی یک تئاتر را روی صحنه می بریم. من در شرایط مختلف و نامایمات اجتماعی و سیاسی حتی در دوره کرونا هم نمایش روی صحنه داشتیم ولی امروز تئاتر ما به سمتی رفته که مخاطب فقط به دنبال آثار کمدی است و اصلا نمی خواهد فکر و اندیشه کند و این مسئله به مشکلات اجتماعی که امروز در این مملکت داریم باز می گردد اما مسئولان هیچ فکری در این رابطه نمی کنند و کاری انجام نمی دهند و به نظر می آید که نمی خواهند کاری انجام بدهند و ظاهرا خوشحال تر خواهند بود اگر ما کار نکنیم اما این را باید بدانند که تمام زندگی و عشق ما تئاتر است و هر اتفاقی که بیفتد ما ادامه می دهیم و کار می کنیم ولی واقعا باید برای این وضعیت و جامعه تئاتری فکری کرد.

جذابیت این نمایش چه بود که همکاری با پروژه را قبول کردید؟

این چهارمین همکاری من با آقای آزاد است و من از اواسط تمرینات این نمایش به گروه پیوستم. همه ما نسبت به «خونه مادر بزرگه» حس نوستالژیک داریم و برایم بسیار جذاب بود که در نمایشی که تداعی کننده یک حس نوستالژیک برای یک نسل است بازی کنم. از طرفی در این نمایشنامه بر داشت و اقتباسی آزاد، خیلی دقیق و درست از نمایش «خونه مادر بزرگه» خانم برومند انجام شده است که تا حدودی به شرایط امروز ما نیز اشاره می کند و این خود به جذابیت اثر برای من می افزود. آدم هایی که هر کدام به فکر خودشان هستند و می خواهند بیش از هر چیز به منافع خودشان برسند و دیدم که این محتوا چقدر بازندگی این روزهای بعضی از ماست نخیت دارد علاوه بر اینها خود فضای اجرایی اثر که یک فضای فانتزی سورئال و تا حدودی به قول امروزی ها دارک است برایم جذابیت داشت و دوست داشتم که این سبک اجرایی را هم تجربه کنم. این نمایش می تواند نشان دهنده یک جامعه از هم گسیخته باشد. جامعه ای مملو از مردمانی که درگیر منافع شخصی خودشان هستند و یا اینکه می خواهند به هر طریقی که شده خودشان را به سطح بالاتری برسانند. حال این سطح بالاتر می تواند از نظر مادی یا پست و مقام باشد و آن چاه آبی که دستما به این مسئله قرار می گیرد تا تمام این کاراکتر ها زندگی شان تغییر کند و روحیه و فضای درونی شان عوض می شود و در نهایت به کشتن یکدیگر رو بیاورند.

با توجه به اینکه مدیریست تالار هنر را بر عهده دارید و به نوعی در اداره تئاتر کشور مان سهیم هستید نظر تان در مورد وضعیت این روزهای تئاتر چیست و سال ۱۴۰۴ را برای تئاتر چگونه می بینید؟

اگر بخواهیم چند سال اخیر را بررسی کنیم می بینیم که مسائلی مثل کرونا و غیره به شدت روی تئاتر تاثیر گذاشت و واقعا تئاتر ما به سمت افول رفت و شرایطی ایجاد شد که تئاتر از آن رونق و تب و تابش افتاد بخصوص که در هر اتفاقی اولین جایی که تعطیل می شد تئاتر بود و این ضربه بزرگی به شرایط اقتصادی تئاتر زد.

